حکم ظاهر کردن
صورت و دست‌های زن،
جلوی مردان نامحرم

نویسنده:
یوسف بن عبدالله الاحمد

مترجم:
آسیه ریگی


سنی بوک
www.SunniBook.net

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

مقدمه‌ی مترجم

الحمد لله و الصلاة و السلام علی رسول الله صلی الله علیه وعلی آله و صحبه أجمعین و بعد:

آنچه پیش رو دارید مختصری از چگونگی پوشش زن در مقابل مردان نامحرم می‌باشد. چرا که از گوشه و کنار زمزمه‌هایی مبنی بر اینکه پوشیده بودن چهره و دست‌ها در پوشش شرعی زن (حجاب) داخل نیست به گوش می‌رسد، حتی بعضی‌ها پا را فراتر از آن گذاشته و نقاب را وارد شده از جوامع جاهلی پس از رسول اللهρ می‌دانند. چنین سخنانی از سوی آن‌ها، دلیل شانه خالی‌کردنشان از احکامات دین عزیز اسلام می‌باشد. کسانی که زرق و برق دنیای غرب به دلشان نشسته و می‌خواهند فرهنگ اسلامی را با فرهنگ برهنگی غرب تفسیر کنند و هر آنچه را که با افکارشان در تضاد است مردود اعلام کنند. جای بسی تأسف است از این ادعا، زیرا پوشیدن چهره توسط زن مسلمان چیزی نیست که بعد از زمان رسول اللهρ وارد شده باشد بلکه این قرآن است که دستور به پوشیدن آن داده و پیامبرρ آن را در میان خانواده و امتش پیاده ساخته است. پس ای کسانی که نقاب را تنگی بر خود می‌شمارید بدانید این اسلام است که به حجاب دستور می‌دهد و بدانید:

﴿وَلَن تَرۡضَىٰ عَنكَ ٱلۡيَهُودُ وَلَا ٱلنَّصَٰرَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمۡ﴾ [البقرة: ١٢٠]

«یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خوشنود نخواهند شد، مگر اینکه از آئین (تحریف شده و خواست‌های نادرست) ایشان پیروی کنی».

در اینجا به بیان دلایلی که به استناد آن‌ها پوشیدن چهره و دست‌ها مقابل مردان نامحرم واجب است می‌پردازیم. امید به اینکه مفید واقع شود.

قبل از آن جا دارد از زحمات و حمایت‌های بی‌دریغ استاد گرانقدرم عبدالحق مالکی تشکر کنم که بنده را در ترجمه‌ی این اثر یاری فرمودند.

آسیه ریگی

محل اختلافِ علما در حجاب زن مسلمان

- علما در مورد حکم پوشش دست و صورت زن اختلاف دارند و بسیاری از مردم از این مسأله بی‌اطلاع بوده و آن را با مسائل دیگر به هم می‌آمیزند، لذا ناچاریم تا محل اختلاف بین علما را بیان کنیم:

اول: محل اختلاف صورت و دست‌های زن است. اما غیر از صورت و دست‌ها به طور اتفاق بر زن واجب است که سایر اعضای بدن مانند پاها، آرنج‌ها و موهای سر خود را بپوشاند؛ تمامی این‌ها به اتفاق علما عورت هستند و باید پوشیده شوند.

دوم: علماء اتفاق نظر دارند که واجب است که صورت و دست‌ها پوشانده شوند. زمانی که در این‌ها زینت وجود دارد. مانند سرمه در چشم‌ها و طلا و حنا در دست‌ها.

سوم: همچنین علماء اتفاق نظر دارند بر اینکه صورت و دست‌ها باید پوشیده شوند، زمانی که در ظاهر کردن آنها فتنه‌ای بوجود می‌آید. بسیاری از علمایی که صورت زن را عورت نمی‌دانند قائل به این هستند که بر دختر جوان واجب است که صورت خود را بپوشاند تا فتنه را از خود دفع کند.

بنابراین، عدم پوشش صورت توسط بسیاری از زنان و دختران در جامعه‌ی امروزی، به اتفاق علما امری حرام و خلاف شرع می‌باشد، بدین دلیل که همراه با صورت موها نیز تا نیمه‌ی سر کشف و ظاهر می‌گردد یا اینکه آنها سر و صورت خود را آرایش کرده و زینت داده‌اند. مثل سیاه کردن چشم با سرمه یا سرخ کردن صورت یا انگشتر در دست (که همه این‌ها جزء زینت می‌باشد).

اما اگر در صورت و دست‌ها زینت نباشد و از ظاهر کردن صورت و دست‌ها خوف فتنه نباشد علما به دو دسته تقسیم می‌شود:

گروه اول: واجب است که صورت و دست‌ها پوشیده شود.

گروه دوم: پوشیدن صورت و دست‌ها مستحب است.

با وجود این اختلافات، هیچ یک از علما قائل بر اینکه بر زن واجب است که صورتش نمایان باشد و یا اینکه ظاهر نمودن آن افضل است، نیستند و این تنها سخن آن عده از بیماردلان و دعوتگران به سوی فتنه دعوت می‌باشد. [کسانی که به فرموده‌ی قرآن کریم دوست دارند بی‌عفتی‌ها را میان مؤمنان پخش گردانند:

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلۡفَٰحِشَةُ فِي ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ١٩﴾ [النور: 19].

«بی‌گمان کسانی که دوست می‌دارند گناهان بزرگ (همچون زنا) در میان مؤمنان پخش گردد، ایشان در دنیا و آخرت شکنجه و عذاب دردناکی دارند. خداوند می‌داند (عواقب شوم و آثار مرگبار اشاعه فحشاء را) و شما نمی‌دانید (ابعاد مختلف پخش گناهان و پلشتی‌ها را)».

پس باید دانست:

ای بسا ابلیس آدم روی هست   پس به هر دستی نباید داد دست]

و هم چنین بحث علما این است که آیا صورت جزء عورت است یا اینکه جزء عورت نیست و یا اینکه آیا زن اگر صورت خود را نپوشاند گناهکار می‌شود یا نه؟ اما مستحب بودن پوشش صورت زن بین علما اتفاق است.

از جمله علمای معاصری که می‌گویند صورت زن عورت نیست، شیخ آلبانی/ می‌باشد که به فرموده‌ی ایشان پوشیدن صورت مستحب است. اما با این حال، ایشان زنان را به پوشیدن صورت مطابق سنت دعوت می‌دهند. ایشان در کتاب **«جلباب المرأة المسلمة»** می‌فرمایند: شما متوجه هستید که این کتاب ما اثر خوبی نزد دختران باایمان و همسران نیک گذاشته و مورد قبول قرار گرفته است، چرا که شرایط واجبی که در پوشش زن مسلمان باید وجود داشته باشد را پاسخ داده و در بین این زنان کسانی هستند که صورت خود را می‌پوشانند، آن هنگامی که به این نتیجه رسیدند که پوشاندن صورت از اعمال

خوب، و از مکارم اخلاق است و از زنان بزرگوار سلف صالح پیروی می‌کنند که در رأس آنها ازواج مطهرات و مادران مومنین هستند.

دلایل وجوب پوشیدن صورت و دست‌ها

در این جا به طور خلاصه دلایلی که بر وجوب پوشیدن صورت دلالت می‌کند را بیان می‌داریم:

دلیل اول:

سخن خداوند که می‌فرمایند:

﴿وَقُل لِّلۡمُؤۡمِنَٰتِ يَغۡضُضۡنَ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِنَّ وَيَحۡفَظۡنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنۡهَاۖ وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّۖ..﴾ [النور:31].

«(و به زنان مؤمنه بگو: چشمان خود را (از نامحرمان) فرو گیرند (و چشم چرانی نکنند) و عورت‌های خویشتن را (با پوشاندن و دوری از رابطه نامشروع) مصون دارند و زینت خویش را (همچون سر، سینه، بازو، ساق، گردن، خلخال، گردن بند، بازوبند) نمایان نسازند، مگر آن مقدار(لباس‌های ظاهری) و آن چیزها (از زینت آلات، همچون لباس و انگشتری و سرمه و خضاب) که (**طبيعةً**) پیدا می‌گردد، و چارقد و روسری‌های خود را بر یقه‌ها و گریبان‌هایشان آویزان کنند).»

پس خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾ «زینت‌های خود را آشکار مسازید» .[خداوند در یک آیه دو جا می‌فرماید: ﴿وَلَا يُبۡدِينَ زِينَتَهُنَّ﴾] این در فطرت آدمی نهاده شده است که بزرگترین زینت زن را در صورتش می‌بیند. [زشتی و زیبایی انسان با چهره مشخص می‌شود] و حتی زمانیکه شخص قصد ازدواج با دختری را دارد اولین چیزی که مد نظرش قرار می‌گیرد صورت آن دختر است. همچنین شاعران قدیم و جدید در غزل‌ها

و شعرهای عاشقانه‌ی خود بیشتر به وصف چهره می‌پردازند و بزرگترین مقیاس زیبایی و فتنه نزد آنان همین صورت است.

الله تبارک و تعالی زنان از اینکه در حال راه رفتن پایشان را بر زمین بکوبند و مردان بیگانه صدای زیور آلات آن‌ها رابشنوند منع کرده و آشکار کردن صدای آن را از زینت‌های حرام می‌داند، چنانچه می‌فرماید:

﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ﴾ [النور: 31].

«و پاهای خود را (به هنگام راه رفتن به زمین) نکوبند تا زینتی را که پنهانش می‌دارند (جلب توجّه کند و صدای خلخال پاهایشان به گوش مردم برسد و) دانسته شود».

کشف و برهنه کردن صورت و دو دست نزد مردان نامحرم، زینت و زیبایی آن به مراتب بزرگتر و بیشتر از شنیدن صدای خلخال می‌باشد، پس وجوب پوشیدن صورت و دودست به مراتب اولاتر و لازمتر است. [آیا عاقلانه است بپذیریم که به زن اجازه داده است صورتش را که مرکز زیبایی اوست برهنه کند؟ همچنین علما همگی بر این اتفاق نظر دارند که پاها و موهای زن مقابل مردان بیگانه باید پوشیده باشد. به دیده انصاف اگر بنگریم، فتنه‌ی پاها و موها کجا و فتنه‌ی ظاهر بودن چهره کجا؟!!! چرا که نخستین پله‌ی وقوع در فساد، نگاه و علت اصلی آن نگاه، بی‌حجابی است.]

دلیل دوم:

حدیث ابن مسعودτ که روایت می‌کند که پیامبرρ فرمودند: «**المرأة عورة فإذا خرجت استشرفها الشيطان**»[1]. «زن عورت است پس هنگامی که از منزل خارج شود شیطان تلاش می‌کند بر او مسلط شود.»

و اصل الاستشراف: گذاشتن دست بالای آبرو و بلند کردن سر برای دیدن.

1- ترمذی با سند صحیح روایت کرده و در کتاب الارواء 1/ 303 نگاه کنید.

شرح حدیث: زمانی که زن از منزل خارج می‌شود شیطان به زن طمع می‌ورزد تا او را اغوا کرده و بفریبد یا اینکه توسط او دیگران را فریب می‌دهد.

و این حدیث نصی است که با آن اثبات می‌شود که زن تمام بدنش عورت است و استثنایی از طرف پیامبر نشده است. چنانکه می‌فرماید: «**المراة کلها عورة**»[1] (زن تمام بدنش عورت است)

دلیل سوم:

حدیث مادرمان عایشه‌ل در داستان افک هنگامی که از غزوه بنی‌مصطلق بر می‌گشتند، قافله در جایی اتراق کرد. عایشه‌ل برای قضای حاجت بیرون رفتند اما در حین بازگشت متوجه شدند که گردنبندشان را گم کرده‌اند. به جای خود برگشته و به جستجوی گردنبند پرداختند. وقتی آمدند کاروان را نیافتند، پس در همان مکان نشستند. آنها به گمان اینکه ام المومنین در کجاوه هستند، آن را بر شتر قرار داده و متوجه نشدند که ایشان حضور ندارد. زیرا که در آن زمان عائشه ل کم سن و سال و لاغر بودند. ام‌المؤمنین به دلیل زیرکی و دانایی‌شان در آن مکان نشستند، چرا که یقین داشتند زمانی که آنها متوجه گم شدن ایشان شوند، به دنبال ایشان خواهند آمد. عایشه می‌گوید: در همین حال که جای خود نشسته بودم خواب بر چشمانم غلبه یافت و خواب رفتم. صفوان بن المعطل السلمی که از قبیله‌ی سلمی بودند همیشه بعد لشکر حرکت می‌کردند. زمانی که به طرف من آمدند سیاهی انسانی خوابیده را دیدند. پس هنگامی که مرا دیدند مرا شناختند. چرا که قبل از اینکه حجاب فرض شود مرا دیده بودند. با استرجاع **(إنا لله وإنا إليه راجعون)** ایشان بیدار شدم. زمانی‌که مرا شناختند من هم صورتم را از او با چادرم پوشاندم.[2] {**(فخمرت)** و در روایت دیگری آمده **(فسترت)** و **(جهی بجلبابی...)**}

1- سلسله صحیحه، آلبانی.

2- متفق علیه.

پس صفوان بن معطل سیاهی انسانی را دید و بسویش رفت. این سیاهی عایشه **ب** در حال خواب بودند و صورتشان پیدا بود. در این حالت، صفوان ایشان را شناخته و عایشه با صدای استرجاع ایشان بیدار می‌شوند. یعنی با گفتن: **(إنا لله وإنا إليه راجعون).**

[در این جریان افک از دو جمله، در کلام ام المؤمنین به وجوب پوشیدن چهره پی می‌بریم:]

[اول] اینکه ام المومنین عایشه**ب**آنجا که می‌فرمایند: «**فعرفني حين رآني**» یعنی: هنگامی که به من نگاه کردند مرا شناختند، علت شناخت خود توسط صفوان را توضیح میدهد و سکوت نمی‌کنند. گویی که اشکال و شبهه‌ای در ذهن شنونده ایجاد شده که: چگونه صفوان ایشان را می‌شناسد درحالی که پوشیدن صورت واجب بوده؟ پس می‌فرماید: «**وكان رآني قبل الحجاب**» یعنی ایشان قبل از فرض شدن حجاب مرا دیده بودند.

در این سخن «**و كان رآني قبل الحجاب**» فایده‌ی دیگری وجود دارد و آن دلیلیست بر اینکه در آیه‌ی حجاب به پوشیدن صورت امر شده است.

و دیگر اینکه ایشان می‌فرمایند: [زمانیکه متوجه صفوان شدم] «**فخمرت وجهي بجلبابي**» و این خود، سخنِ صریحیست [بر وجوب پوشیده بودن صورت].

دلیل چهارم:

مادرمان عایشه**ب** می‌فرماید: در سفر حج همراه رسول الله ρ مُحرِم بودیم، سواره‌هایی از کنار ما عبور می‌کردند. زمانیکه جلو ما می‌رسیدند، یکی از ما چادر خود را به صورتش می‌انداخت و هنگامی که دور می‌شدند ما صورت‌های خود را ظاهر می‌کردیم[1].

دلیل پنجم:

1- مسند امام احمد و سنن ابوداود و سندش حسن است.

از اسماء بنت ابوبکرب روایت است که فرمودند: ما چهره‌های خود را از مردان نامحرم می‌پوشانیدیم درحالی که قبل از این موهای خود را در احرام شانه می‌کردیم.[1]

بعضی از مردم می‌گویند که نصوص وارده در پوشش صورت خاص همسران پیامبرج می‌باشد. این شبهه‌ی ضعیفی است که بین بسیاری از عوام پخش شده و جواب آن چنین است که:

اولا: در نصوص شرعی، اصل عموم بودن است تا زمانیکه یک نص بیاید و آن را خاص کند و در اینجا دلیلی بر این وجود ندارد که نص خاص شده باشد.

ثانیا: عمل زنان صحابه خود بیانگر وجوب پوشیدن صورت است. مانند حدیث اسماءب که فرموده‌اند: «**كنا نغطي وجوهنا من الرجال**» «ما صورت‌های خود را از مردان می‌پوشاندیم».

[بنابراین آنانکه نصوص وارد شده در قرآن را مختص ازواج مطهرات می‌دانند به این عمل اسماءبچه پاسخ می‌دهند زیرا] اسماءبازواج مطهرات نبوده است و گفته‌ی ایشان: (**كنا نغطي**) شامل تمام زنان صحابه می‌شود.

چنانکه خداوند در سوره‌ی احزاب، ازواج و دختران پیامبر و زنان مؤمن را شامل یک حکم قرار داده و به صراحت می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٥٩﴾ [الأحزاب: 59].

«ای پیغمبر! به همسران و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که رداهای خود را جمع وجور بر خویش فرو افکنند. تا این که (از زنان بی بندوبار و آلوده) باز شناخته شوند و در نتیجه مورد اذیّت و آزار (اوباش) قرار نگیرند. خداوند (پیوسته) آمرزنده و مهربان

1- سند روایت صحیح است و حاکم آن را صحیح قرار داده است. و ذهبی با آن موافقت کرده است و به کتاب ارواء 213/4 مراجعه شود.

بوده و هست (و اگر تا کنون در رعایت کامل حجاب سست بوده‌اید و کوتاهی کرده‌اید، توبه کنید و از این کار دوری کنید، تا خدا با مهر خود شما را ببخشد).»

سخن علماء بر وجوب پوشیدن صورت زنان مقابل مردان نامحرم

1- ابوبکر رازی حنفی/ متوفی 370 هـ در تفسیر ﴿يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ﴾ می‌فرمایند: «این آیه دلالت بر این می‌کند که زن جوان وظیفه دارد صورت خود را از مردان بیگانه بپوشاند. وقت خارج شدن از منزل، باید ستر و عفاف از خود نشان دهد تا طمع در دل کسانی که مریض هستند به وجود نیاید»[1].

2- ابوبکر ابن العربی مالکی/ متوفی 542 هـ در تفسیرآیه‌ی ﴿إِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡ‍َٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ﴾ [الأحزاب: 53] «هنگامی که از زنان پیغمبر چیزی از وسائل منزل به امانت خواستید، از پس پرده از ایشان بخواهید». می‌فرماید: «زن تمام بدنش عورت است حتی صدایش. و جایز نیست عورتش را ظاهر کند مگر در صورت ضرورت و حاجت. همانند شهادت دادن و یا اینکه مرضی در بدنش وجود دارد [که در این صورت می‌تواند عورتش را ظاهر کند]»[2].

3- امام نووی/ متوفی سال 676 هـ در کتاب المنهاج (کتابی که بیشتر علماء شوافع به آن اعتماد دارند) می‌فرمایند: «نگاه کردن مرد بالغ به عورت زن آزاد اجنبی حرام است. همچنین نگاه کردن به صورت و دست‌هایش در وقت فتنه». (رملی در شرح این قول امام نووی می‌فرمایند: «بر سر این گفته که، در وقت فتنه باید صورت و دست‌ها پوشانیده شوند، اجماع صورت گرفته است. و همچنین در قول صحیح زمانی که فتنه نباشد باید صورت ودست‌های خود را بپوشاند».

1- احکام القرآن 371/3.

2- احکام القران 616/3.

ابن شهاب الدین رملی/ (متوفی سال 104 هـ) در شرح این سخن امام نووی که جلوتر گذشت می‌فرماید: «توجیه سخن امام یعنی: به اتفاق مسلمانان امام می‌تواند زنانی که صورت‌های خود را نمی‌پوشانند، مانع آمدن آنها به داخل جامعه شود. چرا که دیدن مظنه فتنه است و شهوت‌ها را به حرکت در می‌آورد. همچنین گفته شده حرام است و قول راجح هم همین است که: نگاه کردن به زنانِ نقاب پوشیده‌ای که چیزی غیر از چشمهایشان پیدا نیست حرام است، (همچنان که اذرعی در مورد آن بحث می‌کند.) چه رسد به آنکه زیبا نیز باشد. چه چشم‌هایی که همانند خنجر می‌باشد [و نظر شخص را به خود جلب کرده و او را اسیر خود می‌کند]»[1].

4- نسفی حنفی در تفسیر آیه ﴿يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ﴾ می‌فرماید: «چادرش را رها کند و بوسیله آن صورت و شانه‌های خود را بپوشاند»[2].

5- شیخ الاسلام ابن تیمیه می‌فرماید: «ظاهر کردن صورت توسط زنان به طوری که مردان نامحرم آن را ببینند جائز نیست، و بر حاکم وقت است که امر به معروف و نهی از منکر کند و همچنین کسانی که توانایی امر به معروف و نهی از منکر دارند و کسی که دست از این کار برندارد باید او را توبیخ کنند».

6- ابن جزی مالکی/ در تفسیر آیه ﴿يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ﴾ می‌فرماید: «زنان عرب صورت‌های خود را ظاهر می‌کردند همچنان که کنیزکان صورت‌های خود را ظاهر می‌کردند و این سبب می‌شد که مردان نامحرم به آنها نگاه کنند. پس خداوند امر کرد که چادرهای خود را فرو اندازند تا به این وسیله صورت‌هایشان پوشیده شود»[3].

1- کتاب نهاية المحتاج الى شرح المنهاج فى الفقه على مذهب الشافعى 6/ 187- 188.
2- مدارك التنزيل وحقائق التأويل.
3- التسهيل لعلوم التنزيل 144/3.

7- ابن قیم: می‌فرماید: «عورت زن دو حالت دارد: عورت نگاه کردن و عورت نماز. پس برای زن آزاده جایز است صورت خود و دست‌هایش را وقت نماز ظاهر کند. اما جایز نیست که صورت و دست‌های خود را در بازار و جاهایی که مردان نامحرم در آنجا جمع هستند ظاهر و نمایان کند. والله اعلم»[1].

8- و تقی الدین سبکی شافعی: می‌گوید: «نزدیک‌ترین عمل نزد صحابه این است که برای نگاه کردن، صورت و دست‌ها عورت هستند»[2].

9- ابن حجر/ در شرح حدیث عایشهك که بخاری آن را روایت کرده فرموده‌است: «هنگامی که آیه‌ی حجاب ﴿وَلۡيَضۡرِبۡنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾ [النور: 31] نازل شد، زنان، اطراف دامن‌هایشان را پاره می‌کردند و بوسیله آن برای خود خمار درست می‌کردند». ابن حجر می‌گوید: «فاختمرن»: یعنی: صورت‌های خود را می‌پوشاندند[3].

10-سیوطی در مورد این آیه می‌گوید: «﴿يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ﴾ [الأحزاب: 59] این آیه حجاب برای تمامی زنان نازل شده و همچنین بر زنان واجب است که سر و صورت خود را از مردان نامحرم بپوشانند»[4].

11-بهوتی حنبلی می‌فرماید: «صورت و دست‌های زنان بالغ عورت است و در خارج از نماز مانند دیگر اعضای بدنش شمرده می‌شود. یعنی همانطور که بقیه بدنش عورت است، دست‌ها و صورت نیز عورت هستند و نباید به آنها نگاه شود».

اگر اطاله کلام نمی‌بود اقوال خیلی از علماء که بر واجب بودن صورت و دست‌ها سخن گفته‌اند را بازگو می‌نمودیم.

---

1 - کتاب اعلام الموقعین 80/2.
2 - نهایة المحتاج.
3 - فتح الباری.
4 - عون المعبود 11/ 158.

خیلی از علمای معاصر اعتقادشان بر این است که صورت و دست‌ها واجب است که پوشانیده شوند مانند این عالمان بزرگوار:

عبدالرحمن سعدی، محمد بن ابراهیم آل‌شیخ، محمدامین شنقیطی، بن‌باز، ابوبکر جزایری، ابن عثیمین، عبدالله بن جبرین، صالح فوزان، بکر بن ابوزید، -خدا رحمت کند ایشان را و کسانی که زنده‌اند حفظشان نماید- و علمای دیگری که تعدادشان زیاد است.

در اینجا سخن علامه ابن‌عثیمین را نقل می‌کنیم که ثابت کرده‌اند که صورت و دسته‌ها واجب است که جلوی نامحرم پوشیده شوند.

ایشان بعد از اینکه وجوب پوشش چهره و دو دست زن را بیان کرد و می‌فرماید: «من تعجب می‌کنم از آن قومی که می‌گویند پاهای زن باید پوشیده شود و جایز است که دست‌های خود را نمایان کنند!! پس کدام یک شایسته‌تر است که پوشیده شوند؟ آیا پوشیدن دو دست اولاتر نیستند؟، چرا که کف دست و انگشتان و ناخن‌های زن از جذابیتی برخوردارند که پاها آن جذابیت را ندارند.

شگفت انگیزتر از آن، سخن افرادی است که می‌گویند: بر زن لازم است که پاهای خود را بپوشاند و جایز است که صورت خود را ظاهر کند!! پس کدام یک از آن دو اولاتر به پوشش هستند؟ آیا معقول است که بگوییم شریعت اسلامی که کاملترین شریعت‌هاست و از طرف خداوند حکیم و خبیر فرود آمده به زن بگوید پاها را بپوشان و بر تو مباح است که صورت خود را ظاهر ونمایان کنی؟! واقعا عجیب است. هرگز، این واقعا تناقضی بزرگ است. چرا که دلبستگی مردان به صورت زنان خیلی بیشتر است تا دلبستگی ایشان به پاهای زنان.

اعتقادم بر این است که انسانی که فتنه را بشناسد و میل مردان را درک کند امکان ندارد که به طور مطلق بگوید: مباح است که صورت زنان نمایان شود و پاها پوشیده شوند و بعد این عمل را به کامل‌ترین و محکم ترین شریعت‌ها نسبت دهد.

و سخن بعضی از علمای متاخرین را دیده‌ام که اتفاق کرده‌اند واجب است که صورت زنان بخاطر خوف فتنه، پوشیده شود. نویسنده نیل الاوطار از ابن رسلان نقل قول کرده‌اند»[1].

و ما علینا إلا البلاغ المبین

پایان ترجمه

14/رمضان/1433هـ ق

13/مرداد/1391

ساعت 1 بامداد

1- فتاوی المرأة المسلمة 403/1 - 404.